

تحلیلی بر مناسبات سیاسی حکومت بنی‌عمار با سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون

سید ابوالقاسم فروزانی^۱

لیدا مودت^۲

چکیده: در نیمه دوم سده پنجم هجری، بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه منجر شد. از برجسته‌ترین این حکومت‌ها دولت بنی‌عمار در طرابلس بود. امرای بنی‌عمار با سیاستی کارآمد نسبت به فاطمیان و سلجوقیان موفق شدند استقلال خود را حفظ و حکومت خود را تثبیت کنند. مقاومت ده‌ساله بنی‌عمار در برابر صلیبیون با سیاست مدارا با آنان محقق شد. سرانجام عدم حمایت حکومت‌های مسلمان از بنی‌عمار و شورش داخلی در طرابلس منجر به سقوط این شهر در برابر صلیبیون گردید. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصلی درصدد است به مناسبات سیاسی و برخوردهای این دولت با سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون بپردازد.

واژه‌های کلیدی: بنی‌عمار، طرابلس، سلجوقیان، فاطمیان، صلیبیون

Analysis of the Banu Ammar political relations with the Seljuks, Fatimids and the Crusaders

Seyyed Abolghasem Forozani¹
Lida Mavaddat²

Abstract: In the second half of the fifth century AH, The political and economic crises in the Fatimid Khalifat and their conflicts with the Seljuks in Sham led to the establishment of local governments in the region. The most prominent of these governments was the Banu Ammar state government in Tripoli. Banu Ammar governors whose policies were more efficient than the Fatimids' and the Seljuks' managed to maintain their independency and establish their self-government. Banu Ammar's ten-year resistance to the Crusaders was achieved by virtue of their tolerant policies. Finally, the lack of Muslim governments' support for Banu Ammar, along with internal rebellions in Tripoli led to the fall of the city against the Crusaders. This study by applying the library method and making use of original sources deals with this government's attitudes towards and its political relations with the Seljuks, Fatimids and the Crusaders.

Keywords: Banu Ammar, Tripoli, Seljuks, Fatimids, Crusaders

1 Associated Professor of History in Shiraz University

foroozani_s_a@yahoo.com

2 Ph.d Student of History in Shiraz University

lidamavadat@gmail.com

مقدمه

منطقه شام برای فاطمیان و سلجوقیان در سده‌های پنجم و ششم هجری، دارای اهمیت به سزایی بود؛ به ویژه شهر طرابلس به لحاظ موقعیت سوق الجیشی، سیاسی و تجاری در حوزه شرقی دریای مدیترانه برای این حکومت‌ها قابل توجه بود. بدین ترتیب حکومت‌ها درصدد بودند بر این شهر مسلط شوند، از این رو پایداری این شهر توسط امیران بنی‌عمار قابل تأمل است. اهمیت این پژوهش در آن است که حکومت بنی‌عمار در سده پنجم هجری روابط تأثیرگذاری با حکومت‌های سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون داشت. هرچند این حکومت بیش از چهل سال دوام نیافت؛ اما از جمله مؤثرترین حکومت‌ها در سده پنجم هجری در منطقه شام به شمار می‌آید.

مسئله اساسی این پژوهش، تحلیلی بر عملکرد و اقدامات امرای بنی‌عمار در برابر سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون است. فرضیه تحقیق بر این امر استوار است که امرای بنی‌عمار موفق شدند با ضعف قدرت سیاسی و اقتصادی فاطمیان و منازعات سلجوقیان و فاطمیان در منطقه شام، حکومت خود را در طرابلس بنیان نهند. امرای این حکومت با سیاست‌های واقع بینانه با دفع حملات سلجوقیان و فاطمیان به تثبیت حکومت خود پرداختند. اما راهبرد امرای طرابلس در برابر صلیبیون در دراز مدت مؤثر واقع نگشت.

شمه‌ای درباره پیشینه بنی‌عمار

بنی‌عمار خاندانی شیعه مذهب بودند.^۱ برخی این خاندان را از قبیله طی^۲ و برخی آن‌ها را از قبیله افریقایی گنامه^۳ می‌دانند. در دوره فاطمیان برای نخستین بار، افرادی از بنی‌عمار منصب‌های مهمی را در مصر و شام عهده‌دار شدند. نام ابو محمد حسن بن عمار^۴ برای نخستین بار در حوادث ۳۵۱ هجری به عنوان فرمانده لشکر المعز لدین الله (۳۴۱-۳۶۵ هجری) خلیفه فاطمی دیده

۱ ابن خیاط (۱۹۵۷م)، دیوان ابن خیاط، تحقیق خلیل مردم بک، دمشق: المجمع العلمي العربي، صص ۴۹، ۸۳.

۲ ابن خیاط، همان، ص ۹۱. ابن خیاط در مدحیات خود به امرای بنی‌عمار، آن‌ها را از قبیله طی می‌داند.

انامت فی العمود سیوف طیء

ام انقطعت متون المرهفات

لوکان لفظاً لکان النظم و الخطبا

زاکی العروق له من طیء حسب

۳ ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن خلکان (۱۹۴۸م)، وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان، تحقیق، محمد محی‌الدین عبدالحمید، ج ۲، قاهره: [بی‌نا]، ص ۲۰۱. ابن قلانسی و انطاکی داستانی را از تحریک قبیله گنامه توسط ابن‌عمار به عنوان رهبر این قبیله نقل می‌کنند. یحیی بن سعید انطاکی (۱۹۹۰م)، تاریخ انطاکی (معروف به صله تاریخ اوتیخا)، تحقیق عمر تدمری، طرابلس: [بی‌نا]، ص ۲۴۰؛ ابویعلی حمزه ابن قلانسی (۱۹۰۸م)، ذیل تاریخ دمشق، تصحیح آمدروز، بیروت: المکتبه الکاتولیکیه، صص ۴۴-۵۰.

۴ ابن خلکان، همان، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ابن صفری (۱۹۲۴م)، الاشارة الی من نال الوزارة، قاهره: تصحیح عبدالله مخلص، ص ۲۶.

می‌شود. وی در زمان العزیز بالله (۳۶۵-۳۸۶هـ.ق) پسر و جانشین المُعزّلدین الله، شیخ قبیله و بزرگ کاتبان خلیفه به حساب می‌آمد.^۱ ابن عمار در سال ۳۸۳ هـ.ق به مدت دو ماه وزارت داشت و مأمور نظارت بر مظالم، تدبیر اموال و حسابرسی دیوانیان بود.^۲ پس از درگذشت العزیز بالله، ابن عمار به دستور جانشین و پسر او، الحاکم بامر الله، هم‌چنان در مقام خود باقی ماند و برای نخستین بار لقب امین‌الدوله گرفت.^۳ قدرت امین‌الدوله تا حدی پیش رفت که موفق شد منجوتکین، والی دمشق (۳۸۱-۳۸۶هـ.ق) را شکست داده و اداره آن شهر و شهرهای ساحلی شام از جمله طرابلس را به دست گیرد.^۴

تأسیس حکومت بنی‌عمار در طرابلس

پس از ابومحمد حسن افراد از خاندان بنی‌عمار از سوی خلیفه فاطمی حکومت طرابلس را در دست داشتند؛^۵ اما نخستین بارقه‌های استقلال طلبی بنی‌عمار از فاطمیان در زمان ابوطالب امین‌الدوله بن‌عمار^۶ به وجود آمد.^۷ امین‌الدوله برای کسب قدرت و نفوذ بیشتر در منطقه شام دست به اقداماتی زد: با عدم اطاعت محمود مرداسی حاکم حلب از خلیفه مستنصر فاطمی (۴۲۷-۴۸۷هـ.ق)، امین‌الدوله در سال ۴۵۹ق با وساطت میان آن دو موفق شد اوضاع را بهبود بخشد. این اقدام وی حاکی از جایگاه و نفوذ وی در منطقه شام است.^۸ علاوه بر این وی با افزودن شهر جَبیل

- ۱ ابن‌قلانسی، همان، صص ۲۰، ۴۴؛ ابن‌خلکان، همان، ج ۵، ص ۳۷۴.
- ۲ تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی (۱۳۷۸ق/۱۹۶۷م)، *إعطاء الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء*، ج ۱، قاهره: تصحیح جمال الدین شیبلی، صص ۲۷۷، ۲۹۳.
- ۳ محمد بن حسین ابوشجاع رودراوری (۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م)، *ذیل تاریخ تجارت الامم، مصر: تصحیح آمدروز*، ص ۲۲۲؛ انطاکی، همان، صص ۲۳۷-۲۳۸.
- ۴ انطاکی، همان، صص ۲۳۸-۲۴۰.
- ۵ همان‌جا.
- ۶ ابوطالب امین‌الدوله نخستین فرد از بنی‌عمار است. امین‌الدوله در ابتدا از خلیفه فاطمی اطاعت و در سرکوبی قیام بنی‌ابی‌الفتح در سال ۴۵۷ هـ.ق او را یاری کرد. عزالدین ابوعبدالله محمد بن علی ابن‌شداد (۱۹۶۲م)، *الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، تحقیق سامی دهقان، دمشق: اَبی‌نا،* ص ۱۰۷. و از میان محققین متأخر، محمد کرد علی نیز مؤسس بنی‌عمار را امین‌الدوله ابوطالب می‌داند که در حدود سال ۴۴۰ق و در زمان مستنصر فاطمی به تأسیس حکومت پرداخت. محمد کرد علی (۱۳۴۳ق)، *خطط الشام*، ج ۶، دمشق: اَبی‌نا، ص ۱۹۱. سوبرنهایم مستشرق، زمان تأسیس حکومت توسط ابن‌عمار را نیمه سده پنجم هجری می‌داند. *دایرة المعارف الاسلامیة اَبی‌نا،* مدخل بنی‌عمار، ترجمه جمعی از اساتید، قاهره: اَبی‌نا، ص ۳۵۳.
- ۷ ابوالفرج ابن جوزی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، ج ۱۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۰۲.
- ۸ ابن‌تغری بردی (۱۳۸۳ق/۱۹۶۲م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج ۵، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ص ۷۹؛ ابوالمظفر سبط ابن‌جوزی (۱۳۵۱ق)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، حیدرآباد دکن: اَبی‌نا، ص ۱۳۳.

به قلمرو بنی‌عمار قدم‌های دیگری در راستای استقلال طلبی برداشت.^۱ لازم به یادآوری است امین‌الدوله با آگاهی از برتری سیاسی و نظامی سلجوقیان در منطقه شام، زمانی که آلب‌ارسلان سلجوقی در سال ۴۶۳ق وارد حلب گردید، هیأتی را نزد وی فرستاد تا بدین ترتیب با نزدیکی به سلجوقیان از فاطمیان اعلام استقلال کند.^۲ بنابراین سال ۴۶۳ق نقطه عطفی در حکومت بنی‌عمار طرابلس به حساب می‌آید. لذا سال تأسیس این حکومت را در این مقطع زمانی می‌دانند.^۳

امین‌الدوله در میان مشکلات فراوانی که در سرزمین شام وجود داشت، سعی داشت قلمرو گسترده‌ای در ساحل شام را تصاحب کند. همچنین با سیاستی مدبرانه بین دو دولت فاطمی و سلجوقی توانست حکومت طرابلس را به رغم جدایی از فاطمیان و تهدیدات گوناگون حفظ کند. وی علاوه بر نگهداری از مرزهای حکومت جدید خود و عمران و آبادانی آن، اهتمام ویژه‌ای به مسائل فرهنگی داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات وی در این زمینه، تأسیس دارالعلم طرابلس است که در زمان خود به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی جهان اسلام تبدیل شد. امین‌الدوله در سال ۴۶۴ق درگذشت. مورخان امین‌الدوله را به دلیل عدل و بخشش، حمایت از علویان، خردمندی و قناعت ستوده‌اند.^۴

تشبیت و گسترش حکومت بنی‌عمار

پس از وفات امین‌الدوله، میان افراد این خاندان یعنی برادرزاده‌اش جلال‌الملک ابوالحسن علی‌بن - محمدبن‌عمار،^۵ برادر او، ابوالکتاب احمدبن محمد و تنها پسر خردسال امین‌الدوله، محمد ملقب به ابوالمنقب شمس‌الملک^۶ نزاع شدیدی بر سر حکومت در گرفت. سرانجام جلال‌الملک به

- ۱ المقریزی، همان، ج ۳، ص ۷۸؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۷۱.
- ۲ کمال‌الدین ابوالقاسم عمر بن احمد بن عدیم (۱۹۷۶م)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، آنکارا: جمعیة التاریخية الترتکیة، چاپ علی سویم، ص ۲۳.
- ۳ ابن‌عدیم، همان، ص ۲۳.
- ۴ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۷۱؛ اسماعیل بن علی ابوالفداء (۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م)، *المختصر فی اخبار البشر: تاریخ ابوالفداء*، ج ۴، بیروت: ۹۷؛ ابن‌فرات (۱۹۳۹م)، *تاریخ*، بیروت: چاپ قسطنطین زریق و نجلا عزالدین، ج ۸، ص ۷۷؛ ابوالفرج ابن‌جوی (۴۱۲ق)، همان، ج ۱۲، ص ۱۳۸؛ ابن‌شداد (۱۹۶۲م)، همان، ج ۲، ص ۱۰۷.
- ۵ ابن‌اثیر (۱۳۹۹ق)، همان، ج ۱۰، ص ۷۱؛ ابن‌خلدون (۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، *تاریخ ابن‌خلدون المستمى دیوان المبتدا والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من نوى السلطان الاکبر*، ج ۵، بیروت: تصحیح خلیل شحاده و سهیل زکار، ص ۴۶۱.
- ۶ ابن‌خیاط، همان، صص ۴۹، ۸۳، ۹۱.

همراهی سدیدالملک علی بن منقذ^۱ موفق گردید بر دیگر رقیبان غلبه نماید.^۲

جلال الملک علاوه بر حفظ استقلال خود و مقاومت در برابر سلجوقیان و فاطمیان، به گسترش مرزهای حکومت خود نیز مبادرت ورزید. وی پس از آگاهی از ضعف و ناتوانی رومیان در سال ۴۶۹ق قلعہ جبله را که در دست بیزانس بود، تصرف نمود.^۳ با این اقدام، امارت طرابلس از شمال تا جبله و از جنوب تا جونیه گسترش یافت.^۴

جلال الملک فرد باتدبیر و با درایتی بود که به عنوان بزرگ‌ترین فرمانروای بنی‌عمار شناخته می‌شود. وی علاوه بر کیاست در سیاست مدبرانه‌اش در قبال سلجوقیان و فاطمیان، در عین حال به عمران و گسترش حکومت خود توجه ویژه‌ای داشت.^۵ بدین ترتیب وی با چنین سیاستی توانست به مدت ۲۸ سال در طرابلس حکومت کند.^۶ سرانجام در ۴۹۲ق از دنیا رفت.^۷

مناسبات سیاسی بنی‌عمار با سلجوقیان:

یکی از جریان‌های عمده در سیاست خارجی سلجوقیان گسترش و بسط متصرفات به طرف غرب بود. دشمن اصلی سلجوقیان، فاطمیان در غرب حضور داشت. در ضمن آلبارسلان و ملک‌شاه نگران گسترش قدرت ترکمانان بودند. از این رو آنان ترکمانان را به مرزهای غربی هدایت کردند؛ تا از این طریق بتوانند مزاحمت آن‌ها را از سرزمین‌های تحت تابعیت خود

- ۱ امیران بنی‌منقذ در قلعہ شیزر واقع در منطقه شام از سال ۴۷۲ق تا ۵۵۲ق حکومت داشتند. ابن‌تغری‌بردی (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م)، همان، ج ۵، ص ۱۲۴؛ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۱۴.
- ۲ سدیدالملک بن منقذ پیش از این به واسطه ترسش از امیر محمود بن صالح مرداسی، حاکم حلب، از حلب گریخته به طرابلس پناه برده بود. او به هنگام مرگ امین‌الدوله مہیای سفر به مصر بود؛ اما به کمک جلال‌الملک شتافت و با غلامان خود و گروهی از مردم کفرطاب که با او بودند، به یاری او برآمد. ابن‌حیوس (۱۹۵۱م)، دیوان ابن‌حیوس، تحقیق خلیل مردم‌بک، دمشق: المجمع‌العلمی، ص ۸۴. ابن‌عدیم می‌نویسد: «جلال‌الملک وی را در حکومت طرابلس شرکت داد تا جایی که جایگاهی همانند خود وی در حکومت طرابلس یافت». ابن‌عدیم حلبی (۱۹۶۸-۱۹۴۵م)، زبدۃ‌الحلب فی کتاب حلب، تحقیق سامی دهقان، دمشق: معهد الفرنسي، ج ۲، ص ۳۵.
- ۳ ابن‌اثیر (۱۳۹۹ق)، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰. و ابن‌تغری‌بردی معتقد است که جلال‌الملک در سال ۴۷۳ق به جبله دست یافت. ابن‌تغری‌بردی، همان، ج ۵، ص ۱۱۱.
- ۴ ابن‌عساکر (بی‌تا)، تاریخ مدینه دمشق، دمشق: مجمع‌العلمی، ج ۳۷، ص ۳۹۱؛ ابن‌جوزی، همان، ج ۱۲، ص ۱۷۰؛ ابن‌تغری‌بردی، (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م)، همان، ج ۵، ص ۱۱۱؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰.
- ۵ ابن‌جوزی، همان، ج ۱۲، ص ۱۳۸.
- ۶ ابن‌اثیر همان، ج ۱۰، ص ۷۱؛ ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی (۱۹۶۴م)، مآثر الأنافة فی معالم الخلافة، تحقیق عبدالستار احمد فراج، ج ۱، کویت، ص ۳۴۵.
- ۷ ابن‌فرات (۱۹۳۹م)، همان، ج ۸، ص ۷۷.

کم کنند. همچنین به گسترش و بسط متصرفات خود از این طریق اقدام کنند و قدرت خود را به همسایگان غربی یعنی فاطمیان و بیزانس نشان دهند.^۱

عدم یکپارچگی در شام موجب حضور و نفوذ سلجوقیان در این منطقه گردید. نزاع و درگیری بنی‌مرداس با فاطمیان فرصت مناسبی برای ترک‌های سلجوقی بود تا در صحنه سیاست سرزمین شام، خود را نشان دهند و بر نفوذ فاطمیان در این مناطق خاتمه دهند.

ابوطالب امین‌الدوله، نخستین امیر مستقل بنی‌عمار برای تثبیت قدرت‌اش به سلجوقیان نزدیک شد. همان‌طور که در سطور گذشته ذکر گردید، وی در سال ۴۶۳ق هیأتی نزد آلب-ارسلان سلجوقی به حلب فرستاد. در این زمان آلب‌ارسلان برای تصرف حلب راهی این منطقه بود. با توجه به موقعیت سیاسی و تجاری طرابلس سلطان سلجوقی هیأتی به همراه یکی از دبیران‌اش به نام ابن‌جابر بن سقلاب موصلی به منظور نفوذ در حکومت بنی‌عمار به این شهر اعزام کرد.^۲ در نتیجه این نزدیکی و با آلب‌ارسلان از حلب، شمار زیادی از ترکمانان از اطاعت آلب‌ارسلان خارج شدند. عده‌ای از آنان در شام و شماری در طرابلس ساکن گردیدند. در نتیجه طرابلس مورد تهاجم ترکمانان قرار گرفت که امین‌الدوله موفق گردید شهر را از هجوم آنان حفظ نماید.^۳

پس از مدتی در زمان امارت جلال‌الملک، اتسز از سرداران سلجوقی، نواحی از شام از جمله حلب^۴ و دمشق^۵ در سال ۴۶۸ق تصرف نمود.^۶ و خطبه در دمشق از نام مستنصر خلیفه فاطمی به خلیفه عباسی، المقتدر بامر الله تغییر یافت.^۷ با تصرف دمشق به دست اتسز^۸ و قحطی در آن شهر بسیاری از مردم دمشق به سوی طرابلس کوچ کردند.^۹ اتسز پس از تسلط بر دمشق به سوی طرابلس حرکت کرد؛ اما با مقاومت جلال‌الملک مواجه شد و ناچار به عقب نشینی گردید.^{۱۰} در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت، حملات همزمان آلب‌ارسلان

1 Wittek,p(1996), *The Rise of the Ottoman Empire*, Great Britain, pp. 18-19.

۲ ابن‌عدیم، بغیة‌الطلب فی تاریخ حلب، ص ۲۳.

۳ ابن‌جوزی، همان، ج ۱۲، ص ۱۳۴.

۴ همان، ج ۱۲، ص ۱۶۰.

۵ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۰۸.

۶ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۸.

۷ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۰۹؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

8 Philip K. Hitti(1959), *Syria, A Short History*, Macmillan & Coltd, London,p.175.

۹ ابوالحسن علی بن حسن ابن‌عساکر(۱۳۳۱ق)، تهذیب‌التاریخ‌الکبیر، تحقیق عبدالقادر بدران، ج ۴، دمشق: آبی‌نا، ص ۳۵۶.

۱۰ ابن‌جوزی، همان، ج ۱۲، ص ۱۶۰.

و آنسز به شام، حاکی از ضعف فزاینده سیاسی و اقتصادی فاطمیان در شام و گسترش نفوذ سلجوقیان به این منطقه است.

ملکشاه سلجوقی پس از کسب قدرت، شام را به برادرش، تتش اقطاع داد.^۱ تتش و سپاهیان‌اش وارد شام شدند و حلب را محاصره کردند.^۲ در سال ۴۷۱ق طرابلس به دلیل اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی از جهت شمال از سوی سلجوقیان^۳ و از سمت جنوب از سوی فاطمیان مورد حمله قرار گرفت.^۴ جلال‌الملک با استفاده از فرصت و با تقدیم هدایایی به ترکان سلجوقی موفق شد از آنان علیه فاطمیان استمداد جوید.^۵

در نتیجه این سیاست، تتش از طرابلس منصرف شد و در سال ۴۷۴ق نسبت به فتح طرطوس و چند قلعه اطراف آن اقدام کرد^۶ و از جلال‌الملک درخواست کرد تا یک قاضی و خطیب به آن جا بفرستد.^۷ این اقدام نشان از نفوذ بنی‌عمار در مناطق ساحلی شام است.

نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره نمود، این است که جلال‌الملک با اتخاذ سیاست‌های راهبردی توانست با حفظ استقلال در مقابل دو قدرت بزرگ آن‌برهه از زمان - سلجوقیان و فاطمیان - بر حفظ حکومت بنی‌عمار تلاش نماید. وی با آگاهی از این که اکثر مردم طرابلس گرایشات مذهبی به سوی فاطمیان دارند و این مسئله می‌تواند محرکی برای شورش اهالی علیه بنی‌عمار باشد، همواره مراقب بود تا نزدیکی به سلجوقیان به وابستگی سیاسی تبدیل نشود و تقرب وی بیشتر از طریق ارسال هدایا بود.

اصرار سلجوقیان به تصرف بر حلب^۸ و دمشق^۹ منحصر نمی‌شد؛ بلکه خواستار تسلط بر سواحل شام به ویژه شهر بندری طرابلس بودند تا از این طریق دولت فاطمی مصر را تحت فشار قرار دهند. در سال ۴۸۵ق سپاهیان تتش و آق‌سنقر، به همراهی بوزان، حاکم رها و یغی‌سغان، حاکم انطاکیه به دنبال پیروی از دستورات سلطان ملک‌شاه و برای استیلاء بر سرزمین‌های

۱ ابن‌عدیم، همان، ج ۲، صص ۵۵-۵۷.

۲ همان‌جا.

۳ ابن‌عدیم، زبدة الحلب، ج ۲، ص ۶۵.

۴ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۱۲؛ طباخ حلبی، همان، ج ۱، ص ۳۰۹.

۵ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۱۲.

۶ همان، ص ۱۱۵؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۱۲۱.

۷ ابن‌تغری‌بردی، همان، ج ۵، صص ۱۱-۳۵، ۱۱۵.

۸ ابن‌عدیم، همان، ج ۲، ص ۷۰.

ساحلی شام و مصر اعزام شدند. ابن‌اثیر می‌نویسد: «ملکشاه سلجوقی به برادرش تتش و آق‌سنقر دستور داد تا مناطق ساحلی شام را که در اختیار مستنصر فاطمی بود، تصرف کنند»^۱. لشکر متحد سلجوقی، طرابلس را به محاصره درآورد. در چنین شرایطی جلال‌الملک که یارای مقاومت با سپاهیان سلجوقی را نداشت، به حيله متوسل گردید. در آغاز جلال‌الملک به تطمیع فرماندهان سپاه تتش پرداخت، اما کاری از پیش نبرد. پس از آن یکی از سرداران آق‌سنقر به نام زرین‌کمر را تطمیع نمود. جلال‌الملک سی‌هزار دینار از طریق زرین‌کمر برای انصراف آق‌سنقر از حمله به وی تقدیم نمود.^۲ در نتیجه آق‌سنقر از همراهی تتش امتناع و به سوی حلب عقب‌نشینی کرد. در همین برهه تتش نیز بعد از جدایی آق‌سنقر، از محاصره طرابلس دست کشید و به دمشق بازگشت. بدین ترتیب تصرف طرابلس به انجام نرسید.^۳

حمله سلجوقیان به طرابلس حاکی از عدم وابستگی مطلق بنی‌عمار به آنان است. برخی از محققین دلیل حمله سلجوقیان به طرابلس را در گرایش بنی‌عمار به فاطمیان می‌دانند؛ دلیل چنین اعتقادی ضرب‌سکه در طرابلس به نام مستنصر فاطمی در سال ۴۷۵ق است.^۴ در این خصوص باید به نکته‌های دیگری نیز توجه داشت. از طرفی اگر بنی‌عمار به فاطمیان گرایش داشت، فاطمیان در سال ۴۸۲ق جیل - که در اختیار بنی‌عمار بود - را از تصرف ایشان خارج نمی‌ساختند. از طرف دیگر ضرب‌سکه به نام خلیفه فاطمی حاکی از گرایش و وابستگی بنی‌عمار به فاطمیان نیست؛ زیرا ضرب‌سکه فاطمی در طرابلس از زمان استقلال‌شان و در عهد امین‌الدوله امری عادی بود. چه بسا یکی از اهداف بنی‌عمار از ضرب‌سکه فاطمیان رونق اقتصادی باشد؛ زیرا طرابلس شهری بندری و تجاری بوده و سکه فاطمیان می‌توانست به رونق اقتصادی آن ناحیه کمک شایانی کند.

مناسبات سیاسی بنی‌عمار با فاطمیان

همان‌طور که در سطور گذشته ذکر گردید، در ابتدا امین‌الدوله در خدمت خلیفه فاطمی بود و از

۱ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۲ همان، ج ۱۰، صص ۲۰۲-۲۰۳.

۳ جمال‌الدین محمد بن سالم ابن‌واصل (۱۹۶۰م)، *مفرج‌الکروب فی اخبار بنی‌یوب*، تحقیق جمال‌الدین شیتال، ج ۱، قاهره: [بی‌نا]، صص ۲۱-۲۲.

۴ عبدالمنعم‌ماجد (۱۹۶۰م)، *الامام المستنصر بالله الفاطمی*، قاهره: [بی‌نا]، ص ۱۸۴. این سکه‌ها در حفاری‌های باستان‌شناسی به دست آمده است.

سوی خلیفه به عنوان والی طرابلس منصوب گردید؛^۱ اما با ضعف روزافزون دستگاه خلافت فاطمی از یک سو و به قدرت رسیدن بدرالجمالی به منصب وزارت مستنصر فاطمی و نزاع وی با امیر بنی عمار از سوی دیگر، امین الدوله با نزدیکی به سلجوقیان از اطاعت فاطمیان خارج شد.^۲ فاطمیان بعد از اعلام استقلال بنی عمار در طرابلس با جنگ و توطئه در صدد بودند تا بار دیگر این ناحیه را به قلمرو خود ضمیمه کنند. هرچند امرای بنی عمار برای عدم تحریک آنان اقداماتی را انجام دادند؛ اما حملات متعددی را از سوی فاطمیان متحمل شدند.

بدرالجمالی، وزیر مستنصر فاطمی در سال ۴۶۸ق برای جلال‌الملک توطئه‌ای طراحی نمود. بدرالجمالی بزرگان طرابلس را تحریک و تطمیع کرد که در صورت دستگیری جلال‌الملک، حکومت نصیب آنان گردد. وی از توطئه و نقشه‌ای که بدرالجمالی علیه او طراحی کرده بود، آگاه شد. امیر بنی عمار پس از اطلاع از این توطئه، مخالفان را از میان برد.^۳

جلال‌الملک در تعامل با فاطمیان نیز با هوشمندی و درایت عمل کرد. لازم به ذکر است، جلال‌الملک برای نفوذ بیشتر در منطقه شام، با دختر حصن‌الدوله حیدره بن‌منزو کنامی، امیر دمشق، ازدواج کرد.^۴ وی قصد داشت با این ازدواج سیاسی در جهت تثبیت هر چه بیشتر حکومت‌اش قدم بردارد. برادر زن او، مُعلی بن حیدره در سال ۴۶۱ق علیه فاطمیان قیام نمود. با اعزام سپاه فاطمیان، وی به طرابلس گریخت تا از حمایت جلال‌الملک برخوردار شود؛ اما جلال‌الملک برای اجتناب از دشمنی فاطمیان، معلی را در سال ۴۷۲ق به ایشان تحویل داد.^۵

فاطمیان در جهت بازگرداندن طرابلس به قلمرو خود در سال‌های ۴۷۱ق و ۴۸۲ق دست به حملاتی علیه بنی عمار زدند. هجوم فاطمیان در سال ۴۷۱ق ناموفق بود،^۶ اما در سال ۴۸۲ق لشکر فاطمیان به فرماندهی ناصرالدوله جیوشی به سرزمین‌های ساحلی شام مثل عکا، صیدا و صور نفوذ کرد. در این مرحله وی توانست جلیل را به طور موقت از دست بنی عمار خارج کند؛^۷ اما این حمله بدون پیشروی به سوی طرابلس ناتمام ماند.

۱ ابن جوزی، همان، ج ۱۲، ص ۱۰۲.

۲ المقریزی، اتعاظ‌الحنفاء، ج ۳، ص ۷۸؛ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۷۱.

۳ ابن جوزی، همان، ج ۱۲، ص ۱۶۰؛ ابن تغری بردی، همان، ج ۵، ص ۱۱۱.

۴ ابن عساکر [بی‌تا]، همان، ج ۴۳، ص ۴۵۱.

۵ محمد بن احمد ذهبی [بی‌تا]، تاریخ‌الاسلام و طبقات‌المشاهیر و الاعلام، قاهره: تصحیح حسام‌الدین قدسی، ج ۳۲، ص ۳۸۷؛ ابن قلانسی، همان، ص ۹۶.

۶ ابن قلانسی، همان، ص ۱۱۲؛ طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۳۰۹.

۷ ابن قلانسی، همان، ص ۱۲۰.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکومت بنی‌عمار رشد و بالندگی بسیاری یافت تا آن‌جا که طرابلس در سده پنجم هجری به بزرگترین شهر در امتداد ساحل شرقی دریای مدیترانه تبدیل شد و ناوگان‌های این شهر در نقاط مختلف دریا رفت و آمد می‌کردند، به طوری که طرابلس به شاهراه دریایی شام مبدل گشته بود و علی‌رغم تلاش‌های نافرجام سلجوقیان و فاطمیان برای تسلط بر این شهر بندری، امیران بنی‌عمار موفق شدند استقلال خود را حفظ نمایند.

رویارویی صلیبیون با بنی‌عمار

در سده پنجم هجری در آستانه حمله صلیبیون، اوضاع سیاسی جهان اسلام آشفته بود و حکومت‌های مسلمان با یکدیگر اتحاد نداشتند. کشمکش میان حکومت‌های مسلمان در منطقه شام نمود بیشتری داشت. در این منطقه امیران و خاندان‌های متعددی با یکدیگر در جنگ و ستیز بودند.^۱

در طرابلس فخرالملک ابوعلی^۲ پس از مرگ برادرش جلال‌الملک در دوران جنگ‌های صلیبی - که از سال ۴۹۱ هجری دامنه آن به شام کشیده شده بود - به امارت این شهر رسید. پیش در آمد رویارویی صلیبیون با بنی‌عمار در تصرف شهر جبله است. جبله در سال ۴۸۵ ق از دست جلال‌الملک خارج شده و ابن‌صلیحه که به سلجوقیان تمایل داشت، بر این شهر تسلط یافت^۳ و خطبه به نام خلیفه عباسی خواند.^۴ جلال‌الملک نتوانست جبله را باز پس گیرد، به دلیل آنکه جبله تحت تابعیت سلجوقیان قرار گرفته بود.^۵ در ابتدای حکومت فخرالملک شهر جبله مورد هجوم صلیبیون قرار گرفت.^۶ ابن‌صلیحه، حاکم جبله از سلجوقیان استمداد جست. از این رو در سال ۴۹۲ ق ابن‌صلیحه شهر را به

۱ عبده قاسم قاسم (۱۴۱۰ ق)، ماهیه الحروب الصلیبیه، الایدیولوجیه، الدوافع، النتائج، کویت: ابي نا: ص ۹۴.
Gibb, Hamilton, A.R. and Bowen (1962), *Harold. Islamic Society and the west: A Study of the Impact of Western Civilization on Moslem Culture in the Near East. Oxford, England. 1969. 2 vols. p.178.*

۲ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۳۹.

۳ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰. برخی از محققین جدید معتقدند که ابن‌صلیحه در زمان فخرالملک از اطاعت بنی‌عمار خارج شده است. هاشم عثمان (۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م)، تاریخ الشیعة فی ساحل بلاد الشام الشمالي، بیروت: موسسة

الاعلمی للمطبوعات. صص ۵۳-۵۴.

۴ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۵ همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۶ همان، ج ۱۰، صص ۳۱۰-۳۱۱.

دقاق بن تتش و بوری^۱ نمایندگان طغتكین، حاکم سلجوقی دمشق تحویل داد.^۲ با توجه به ظلم دقاق به اهالی جبله، بزرگان این شهر از فخرالملک درخواست کمک نمودند. فخرالملک که شرایط را برای بازپس گیری جبله مناسب دید، بر سپاه بوری یورش برد و وی را شکست داد. فخرالملک با بوری به مهربانی رفتار کرد و او را به دمشق نزد طغتكین فرستاد و علت فتح جبله را جلوگیری از تصرف آن توسط صلیبیون بیان کرد.^۳ این اقدام فخرالملک نشان-دهنده درایت و تدبیر او است؛ زیرا فخرالملک برای برخورد با صلیبیون به کمک های طغتكین نیاز داشت. بدین ترتیب بار دیگر جبله در سال ۴۹۴ق به قلمرو بنی عمار اضافه شد.^۴

حمله صلیبیون در سال ۴۹۱ق به بلاد شام رسید. حملات آنان بعد از فتح انطاکیه به دو بخش تقسیم شد: ۱. لشکرکشی به نواحی شرقی آسیای صغیر. ۲. لشکرکشی به سوی بیت المقدس.



شهرهای ساحلی شام

صلیبیون طی چهار حمله به طرابلس، حکومت بنی عمار را از پای درآوردند. در حملات اولیه صلیبیون به رهبری رمون^۵ به سرزمین های شام، فخرالملک احساس خطر نمود. اقدام اولیه وی در برابر صلیبیون، اعزام نمایندگان به سوی آنان برای جلوگیری از جنگ بود. فخرالملک

۱ پسر طغتكین.

۲ سبطین جوزی، مرآة الزمان، ج ۱۲، ص ۲۴۳.

۳ ابن قلاتسی، صص ۱۳۹-۱۴۰؛ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۲.

۴ سبطین جوزی، همان، ج ۱۲، ص ۲۴۳.

در این مرحله تمایل خود را برای عبور صلیبیون از طرابلس و برافراشتن پرچم آنان نشان داد و معاهده‌ای بسته شد.^۱ اما رمون به عرقه و طرطوس که در قلمرو بنی‌عمار بود، هجوم برد. فخرالملک برای جلوگیری از تهاجم صلیبیون به طرابلس هدایایی را برای رمون فرستاد.^۲ فخرالملک در اواخر ۴۹۴ق از بالدوین،^۳ امیر صلیبی رُها در طرابلس استقبال کرد و آمادگی خود را برای ارائه اطلاعات لازم از تحرکات دقاق‌بن‌تتش، حاکم دمشق، اعلام داشت.^۴ سیاست فخرالملک در این مرحله سیاست مدارا با صلیبیون است، تا از این طریق بتواند حکومت خود را حفظ نماید. وی با دادن هدایا، اظهار تمایل به اطاعت از صلیبیون سعی در دور کردن آنان از طرابلس داشت.

دومین حمله صلیبیون به طرابلس، با تصمیم رمون برای تأسیس امارتی مستقل در شمال شام آغاز گردید. بدین‌منظور وی طرطوس را فتح کرد و مصمم شد طرابلس را به مرکز امارت خود مبدل سازد. فرمانده صلیبی در رجب ۴۹۵ق طرابلس را محاصره کرد.^۵ از این‌رو فخرالملک تصمیم گرفت با تشکیل پیمانی از میان دولت‌های مسلمان برای رویارویی با رمون آماده شود. بدین‌منظور فخرالملک از حاکم حمص، یاخز و حاکم دمشق، دقاق‌بن‌تتش استمداد جست. طبق نوشته ابن‌اثیر، فخرالملک به آنان گفت: «صواب آن است که هر چه زودتر با رمون مقابله شود، چرا که با این شمار نیرو به ما نزدیک است». آنان اجابت کردند؛ اما سپاهیان دمشق و حمص در نبرد با صلیبیون شکست خوردند. رمون با سپاهیان به سوی طرابلس حمله کرد. اما با بی‌نتیجه بودن جنگ، رمون با فخرالملک سازش کرد و به طرطوس بازگشت.^۶ در این مرحله امیر بنی‌عمار متوجه شد که ابزار سیاسی و سیاست مدارا با صلیبیون کارساز نیست و باید با قدرت و نیروی نظامی با آنان برخورد کرد.

رمون با استقرار در طرطوس، هم‌چنان به تصرف طرابلس می‌اندیشید. از این‌رو رمون این شهر را در محاصره اقتصادی قرار داد. فخرالملک برای نجات از این وضع به حملات دریایی به شهرهای تحت سلطه صلیبیون دست زد.^۷ عملکرد رمون حاکی از آن است که وی متوجه

۱ اعمال‌الفرنجیه و حجاج‌بیت‌المقدس (۱۹۵۸م)، ترجمه حسن حبشی، قاهره: [بی‌نا]، صص ۱۱۲-۱۱۳.

۲ همان، ص ۱۰۶؛ المقربزی، همان، ج ۳، ص ۲۳.

3 Baldwin

۴ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۳۸.

۵ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۳۴۴؛ ابن‌قلانسی، همان، صص ۱۴۰-۱۴۱.

۶ ابن‌اثیر، ج ۱۰، ص ۳۴۴.

۷ همان، ج ۱۰، ص ۳۴۴.

۸ همان، ج ۱۰، صص ۳۶۵-۳۶۶.

گردید به راحتی نمی‌تواند طرابلس را تصرف نماید. بدین ترتیب دست به محاصره اقتصادی زد تا بتواند طرابلس را از این طریق به زانو درآورد.

سومین حمله صلیبیون به طرابلس در سال ۴۹۷ق با در اختیار گرفتن کشتی‌های اروپایی آغاز گردید. بدین ترتیب از راه دریا و خشکی طرابلس را در محاصره قرار داد؛ اما موفق به تسخیر آن شهر نشد.^۱ رمون از آنجایی که قادر به محاصره دریایی طرابلس از غرب نبود، با تأسیس دژی مستحکم بر فراز تپه غربی مشرف به رود شهر طرابلس، پایگاه نظامی برتری کسب نمود؛^۲ اما فخرالملک با بهره‌گیری از فرصت و در حمله‌ای ناگهانی، به دژ هجوم برده و رمون را به قتل رساند.^۳

چهارمین حمله صلیبیون به طرابلس بعد از مرگ رمون آغاز گردید. پس از رمون، ویلیام جوردن^۴ جانشین وی شد. جوردن شدیدتر از رمون به محاصره طرابلس ادامه داد و به مرمت دژ صلیبی پرداخت. ویلیام جوردن از بیژانس کمک‌های فراوانی دریافت کرد.^۵ از جمله کمک‌های بیژانس به جوردن، ارسال ناوگان دریایی از طریق قبرس بود^۶ که فخرالملک برای جلوگیری از ورود این ناوگان به ساحل طرابلس با ناوگان دریایی‌اش به جنگ پرداخت. در این جنگ دریایی فخرالملک پیروز شد و کشتی‌ها به تسخیر امیر بنی‌عمار درآمد.^۷ امیر بنی‌عمار در این زمان بار دیگر از حاکمان مسلمان درخواست کمک کرد. وی از سکمان بن ارتق حاکم دیار بکر، جکرمش حاکم موصل و فخرالملک رضوان، حاکم حلب استمداد جست.^۸ درخواست کمک فخرالملک از این حاکمان به دلیل عدم همکاری آنان به نتیجه نرسید.^۹ با طولانی شدن محاصره طرابلس و عدم کمک از سوی حاکمان منطقه، فخرالملک تصمیم گرفت خود به بغداد رود و از سلطان محمد سلجوقی درخواست کمک نماید.^{۱۰}

۱ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۴۳.

۲ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، صص ۴۱۱-۴۱۲.

۳ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۴۶؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۱۲؛ ابن‌تقری‌بردی، همان، ج ۵، ص ۱۷۸.

4 William Jordan.

۵ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۱۲.

6 Husseya, J.M (1966), *The Cambridge Medieval History*, volume IV. The Byzantine Empire part 1, New York, Cambridge University, press 1966.p.151.

۷ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۱۲.

۸ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۴۶.

۹ همان، ص ۱۵۶.

۱۰ المقریزی، همان، ج ۳، ص ۳۸.

فخرالملک دوبار از حکومت‌های همجوار در منطقه شام استمداد جست که هر دو بار بی نتیجه بود. بدین ترتیب فخرالملک به دنبال کمک از سوی قدرتی برتر بود. نکته قابل توجه این است که فخرالملک از فاطمیان درخواست یاری نکرد؛ زیرا آگاه بود در صورت درخواست کمک، باید خود را زیر لواء فاطمیان برده و استقلال خود را نادیده گیرد. اثبات این گواه، حمله فاطمیان به طرابلس در سال ۴۹۶ق است.

لازم به یاد آوری است، همزمان با محاصره اقتصادی رمون، طرابلس به محاصره نظامی فاطمیان در آمد. فاطمیان در پی انتقام شکست از صلیبیون، آنان را در سال ۴۹۶ق در نزدیکی رمله شکست دادند.^۱ فاطمیان پس از این پیروزی، با آگاهی از محاصره اقتصادی طرابلس به سوی آن شهر گسیل شدند و از فخرالملک خواستند شهر را به آنان تسلیم کند. اما فخرالملک خواسته آنان را نپذیرفت و دستور داد دروازه‌های شهر را به روی آنان ببندند. پس از مدتی سپاهیان فاطمی تحت فشار صلیبیون مجبور به ترک منطقه شدند.^۲ فخرالملک به دلیل آن که از عملکرد فاطمیان مطلع بود، همان طور که در سطور گذشته ذکر گردید دست به دامان سلجوقیان گردید.

امیر بنی‌عمار قبل از خروج از طرابلس به سوی بغداد اقداماتی انجام داد. از یک سو حقوق مدافعان شهر را پیشاپیش پرداخت نمود تا از شورش احتمالی آنان بکاهد. از سوی دیگر پسرعمویش، ابوالمنقب محمد ملقب به شمس‌الملک را به عنوان جانشین خود انتخاب نمود.^۳ فخرالملک از مسیر دریایی به بیروت و از آنجا عازم دمشق شد.^۴ زمانی که فخرالملک در دمشق بود، مطلع گردید که شمس‌الملک به وی خیانت کرده است. فخرالملک دستور داد او را دستگیر کنند.^۵ در بغداد سلطان محمد سلجوقی و خلیفه عباسی به شایستگی از فخرالملک استقبال کردند.^۶ فخرالملک از اوضاع آشفتۀ طرابلس، طولانی شدن محاصره و قدرت روزافزون صلیبیون توضیحاتی به آنان داد. امیر بنی‌عمار از سلطان درخواست کمک کرد و او قول مساعدت داد.^۷ فخرالملک پنج ماه در بغداد اقامت نمود و زمانی که از تحقق

۱ المقریزی، ج ۳، ص ۳۲.

۲ همان، ج ۳، ص ۴۲.

۳ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۶۰.

۴ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

۵ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۶۱؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

۶ ابن‌عدیم، همان، ج ۸، ص ۱۴۰؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

۷ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

وعده‌های سلطان سلجوقی ناامید شد، بازگشت.^۱ او در سال ۵۰۲ق به دمشق رسید و از استیلای فاطمیان بر طرابلس باخبر شد.^۲

همان‌طور که ذکر گردید، شمس‌الملک در غیاب فخرالملک به وی خیانت کرد و از امیر افضل بن بدر الجمالی، امیر الجیوش فاطمی خواست به طرابلس بیاید و شهر را تسلیم او کند. اما فخرالملک که در این زمان در دمشق بود دستور دستگیری وی را داد.^۳ پس از آن شورش داخلی از سوی اهالی طرابلس علیه حکومت بنی‌عمار صورت گرفت. می‌توان از جمله دلایل شورش را استمداد جستن امیر بنی‌عمار از حکومتی سنی مذهب به جای فاطمیان شیعه مذهب و محاصره اقتصادی طرابلس دانست. شرف‌الدوله بن ابی‌الطیب به درخواست اهالی طرابلس از سوی فاطمیان وارد شهر گردید و خانواده فخرالملک را به مصر فرستاد.^۴ با این اقدام، فخرالملک دیگر قادر به بازگشت به طرابلس نبود؛ به ویژه آن که عرقه در سال ۵۰۲ به دست فرمانده صلیبی، جوردن تسخیر شده بود.^۵

چندی بعد طرابلس در سال ۵۰۲ق به محاصره نیروهای متحد صلیبی که شامل نیروهای بالدوین، برتراند^۶ پسر رمون و جوردن بود، درآمد.^۷ اهالی طرابلس از فاطمیان درخواست کمک در برابر صلیبیون نمودند؛ اما این درخواست به نتیجه‌ای نرسید. در چنین اوضاعی شرف‌الدوله بن ابی‌الطیب، والی فاطمی طرابلس، از صلیبیون امان خواست و از شهر خارج و راهی دمشق شد.^۸

بعد از خروج وی از طرابلس، صلیبیون وارد شهر شدند و دست به قتل و کشتار زدند.^۹ مورخان در تعیین تاریخ دقیق سقوط طرابلس دچار اختلاف هستند. برخی سقوط طرابلس را سال ۵۰۲ق^{۱۰} و برخی دیگر سال ۵۰۳ق^{۱۱} می‌دانند. سقوط طرابلس در سرنوشت شهرهای

۱ ابن‌کثیر، همان، ج ۱۲، ص ۱۶۹.

۲ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۵۳؛ ابن‌فرات، همان، ج ۸، ص ۷۸.

۳ ابن‌قلانسی، همان، صص ۱۶۰-۱۶۱.

۴ همان، صص ۱۶۰-۱۶۱؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۵۴؛ ابن‌میسر، همان، ج ۲، ص ۴۳؛

Philip K. Hitti (1962), *Lebanon in History, from the earliest times to the present*, London: p.289.

۵ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۶۲؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۶۸.

6 Bertrand.

۷ ذهبی (۱۹۷۴م)، *دول الاسلام*، تحقیق فهیم شلتوت و محمد مصطفی ابراهیم، ج ۲، قاهره: الهيئة العامة للكتاب، ص ۳۲.

۸ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۷۶؛ ابوالفداء، همان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۹ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۶۲؛ مقربزی، همان، ج ۳، ص ۴۴.

۱۰ ابن‌قلانسی، همان، ص ۱۶۳؛ ابن‌شداد، همان، ج ۲، ص ۱۱۱؛ ابن‌تغری بردی، همان، ج ۲، ص ۱۸۰؛ مقربزی، همان، ج ۳، ص ۴۴.

۱۱ ابن‌جوزی، همان، ج ۹، ص ۱۶۳؛ ابن‌خلکان، همان، ج ۱، ص ۱۴۴؛ ابوالفداء، همان، ج ۲، ص ۲۲۴.

دیگر شام تأثیر به‌سزایی داشت. طرابلس به مدت ده سال در برابر صلیبیون مقاومت کرد و بعد از سقوط این شهر، شهرهای ساحلی شام یکی پس از دیگری به تسخیر صلیبیون درآمد.

نتیجه‌گیری

حکومت بنی‌عمار در شام برای جهان اسلام در سده پنجم هجری از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. شهر طرابلس در حوزه شرقی دریای مدیترانه برای فاطمیان از سویی و برای سلجوقیان از سویی دیگر از موقعیت خاصی برخوردار بود. امیران بنی‌عمار با اتخاذ سیاستی متناسب و کارآمد در قبال سلجوقیان و فاطمیان موفق شدند حکومت خود را تأسیس و به مدت چهار دهه تداوم بخشند. این آگاهی سیاسی در تعامل‌های آنان با قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های همجوار در شام آشکار است.

حکومت بنی‌عمار در ابتدا سعی داشت با سیاست مدارا با صلیبیون برخورد نماید. اما در حملات بعدی صلیبیون، سیاست امیر بنی‌عمار تغییر کرد. تشکیل پیمان میان حکومت‌های مسلمان، تقویت نیروی نظامی و تدابیر سیاسی و اقتصادی از جمله اقدامات بعدی امیر بنی‌عمار در قبال صلیبیون بود. تفرقه میان دولت‌های مسلمان منطقه، عدم حمایت سلجوقیان از ایشان، شورش داخلی علیه دولت بنی‌عمار و تمایل اهالی طرابلس به فاطمیان از عوامل سقوط این دولت در برابر صلیبیون است. سقوط طرابلس نتایج و پیامدهای مهمی برای جهان اسلام در پی داشت. بدین ترتیب سد دفاعی مسلمانان در شام در برابر صلیبیون شکسته شد.

منابع:

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۹۹ق/۱۹۳۲م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۹ و ۱۰، بیروت: دارصادر.
- ابن تغری بردی (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حبیب (۱۹۵۱م)، *دیوان ابن حبیب*، تحقیق خلیل مردم‌بک، دمشق: المجمع العلمی.
- ابن خلدون (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، *تاریخ ابن خلدون المسمی دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، بیروت: تصحیح خلیل شحاده و سهیل زکار.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد (۱۹۴۸م)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق، محمدمحی‌الدین عبدالحمید، قاهره: [بی‌نا].
- ابن خیاط (۱۹۵۷م)، *دیوان ابن خیاط*، تحقیق خلیل مردم‌بک، دمشق: المجمع العلمی العربی.

- ابن شداد، عز الدين ابو عبدالله محمد بن علي (١٩٦٢م)، الاغلاق الخطيرة في ذكر امراء الشام والجزيرة، تحقيق سامي دهان، دمشق: [بي نا].
- ابن صيرفي (١٩٢٤م)، الاشارة الى من نال الوزارة، قاهره: چاپ عبدالله مخلص.
- ابن عديم، كمال الدين ابوالقاسم عمر بن احمد (١٩٧٦م)، بنية الطلب في تاريخ حلب، انكارا: جمعية التاريخية- التركية، تصحيح على سويم.
- ابن عديم حلبى (١٩٦٨-١٩٤٥م)، زبدة الحلب في كتاب حلب، تحقيق سامي دهان، دمشق: معهد الفرنسى.
- ابن عساكر، ابو الحسن على بن حسن (١٣٣١ق)، تهذيب التاريخ الكبير، تحقيق عبدالقادر بدران، دمشق: [بي نا].
- [بي تا]، تاريخ مدينة دمشق، دمشق: مجمع العلمى.
- ابن فرات (١٩٣٩م)، تاريخ بيروت: چاپ قسطنطين زريق و نجلا عز الدين.
- ابن قلانسى، ابو يعلى حمزه (١٩٠٨م)، ذيل تاريخ دمشق. تحقيق آمدروز، بيروت: المكتبة الكاتوليكية.
- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر (١٩٦٦م)، البداية والنهاية فى التاريخ، بيروت: [بي نا].
- ابن ميسر، محمد بن على بن يوسف بن جلب (١٩١٩م)، اخبار مصر، تصحيح هنرى ماسه، قاهره: المعهد العلمى الفرنسى.
- ابن واصل، جمال الدين محمد بن سالم (١٩٦٠م)، مفرج الكروب فى اخبار بنى ايوب، تحقيق جمال الدين شيبان، قاهره: [بي نا].
- ابوالفداء، اسماعيل بن على (١٣٧٥ق/١٩٥٦م)، المختصر فى اخبار البشر: تاريخ ابوالفداء، بيروت: [بي نا].
- ابوشجاع رودراورى، محمد بن حسين (١٣٣٤ق/١٩١٦م)، ذيل تاريخ تجارة الامم، مصر: تصحيح آمدروز.
- اعمال الفرنجة و حجاج بيت المقدس (١٩٥٨م)، ترجمة حسن حبشى، قاهره: [بي نا].
- انطاكي، يحيى بن سعيد (١٩٩٠م)، تاريخ انطاكي (معروف به صلة تاريخ اوتيسا)، تحقيق عمر تدمرى، طرابلس: [بي نا].
- تدمرى، عمر عبدالسلام (١٤٠٤ق/١٩٨٤م)، تاريخ طرابلس السياسى و الحضارى عبر العصور، بيروت، [بي نا].
- حتى، فيليب خورى (١٩٦١م)، تاريخ العرب (المطول)، ترجمة جرائيل جبور، بيروت: [بي نا].
- دائرة المعارف الاسلامية [بي تا]، مدخل بنى عمار، ترجمة جمعى از اساتيد، قاهره: [بي نا].
- ذهبى، محمد بن احمد (١٩٧٤م)، دول الاسلام، تحقيق فهيم شلتوت و محمد مصطفى ابراهيم، قاهره: الهيئة العامة للكتاب.
- [بي تا]، تاريخ الاسلام و طبقات المشاهير و الاعلام، قاهره: تصحيح حسام الدين قدسى.
- سبط ابن جوزى، ابو المظفر (١٣٥١ق)، مرآة الزمان فى تاريخ الاعيان. حيدرآباد دكن: [بي نا].
- طباطبائي، محمد راغب (١٣٤٢ق/١٩٢٣م)، اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء، تصحيح محمد كمال حلب: دار القلم العربى.
- عثمان، هاشم (١٤١٤ق/١٩٩٤م)، تاريخ الشيعة فى ساحل بلاد الشام الشمالى، بيروت: مؤسسة العلمى للمطبوعات.
- قاسم، عبده قاسم (١٤١٠ق)، ماهية الحروب الصليبية، الايدولوجية، الدوافع، النتائج، كويت: [بي نا].

- فلقشندی، بوالعباس احمد بن علی (۱۹۶۴م)، مآثر الأنافة فی معالم الخلافة، تحقیق عبدالستار احمد فرّاج، کویت: [بی نا].
- کرد علی، محمد (۱۳۴۳ق)، خطط الشام، دمشق: [بی نا].
- ماجد، عبدالمنعم (۱۹۶۰م)، الامام المستنصر بالله الفاطمی، قاهره: [بی نا].
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۳۷۸ق / ۱۹۶۷م)، ایتعاض الحنفاء بأخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، قاهره: وزارة الاوقاف.

انگلیسی

- Gibb, Hamilton (1972), A.R. and Bowen, Harold. *Islamic Society and the west: A Study of the Impact of Western Civilization on Moslem Culture in the Near East*. Oxford, England, 2vols.
- Hitti, Philip K (1962), *Lebanon in History, from the earliest times to the present*, Macmillan & Coltd, London.
- Hitti, Philip K (1959), *Syria, A Short History*, Macmillan & Coltd, London.
- Husseya, J.M (1966), *The Cambridge Medieval History*, volume IV. The Byzantine Empire part 1, New York, Cambridge University, press.
- Wittek, p. (1996), *The Rise of the Ottoman Empire*, Great Britain.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی